

اشاره

متن حاضر، برگرفته از سخنرانی دکتر منوچهر محمدی با موضوع تبیین مفهوم پیچ تاریخی در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در سی امین نشست انقلاب اسلامی، مخاطرات امروز و فردا است که با توجه به طولانی بودن آن، تنها بخش‌های مربوط به تبیین پیچ تاریخی تقدیم می‌گردد.



انقلاب اسلامی و تغییر تاریخ بشریت

سینوسی برای شما بیان می‌کنم. ببینید! دوران قرون قدیم به دوران عهد عتیق معروف است. در این دوران رقابتی بین شرق و غرب وجود داشته؛ چون مهد تمدن در مرکزیت این دو بوده است. البته تمدن‌های دیگری هم بودند و هستند، مانند تمدن چین و تمدن ژاپن ولی محور رشد و تمدن بین این دو تا غرب و شرق بوده است؛ یعنی بین اروپا از یک طرف آسیا به ویژه آسیای غربی از طرف دیگر. عموم انبیا

ببینید عزیزان! تاریخ مدون را به سه دوره تقسیم کرده‌اند: دوره قدیم یا قرون قدیم، دوره قرون وسطی و دوره قرون معاصر. هم غربی‌ها و هم ما قبول داریم که تاریخ به این دوران سه گانه تقسیم می‌شود؛ ولی کسی نیامد بگوید چه حادثه‌ای رخ داد که یک دوره قدیم به پایان رسید و دوره وسطی آغاز شد، چه فرقی بین این دو تا وجود داشت و چه تحولی ایجاد شد. این چیزی است که بنده در این حرکت

... انقلاب اسلامی، نه تنها تاریخ ایران بلکه تاریخ منطقه و اسلام و تاریخ جهان بلکه بالاتر از آن، تاریخ بشریت را هم تغییر داده است. درباره پیچ تاریخی، فرمایشات مقام معظم رهبری را شنیده‌اید. انتظار داشتیم عزیزی که تحلیلگر هستند، مفهوم این پیچ تاریخی را در نوشته‌هایشان بیان کنند. متأسفانه ندیدم که به درستی تعریف کنند؛ همواره تمجید کردند ولی نگفتند که این چیست و چه تاریخی است.

به نام مارتین لوتر کشیش بود، در سال ۱۶۴۸ علیه خرافات کلیسایی اعتراض کرد و مکتب پروتستان را بنا نهاد. پروتست یعنی معترض. دین را از سیاست جدا کرد، گفت بهشت و جهنم در همین دنیا است و بی خودی خرید و فروش نکنید. در واقع پیچ دوم تاریخ چیزی جز رنسانس نیست. مسلمان‌ها به خواب فرو رفتند و از خود بیگانه شدند، جهان اسلام با آن عظمت مستعمره شد و بعداً ۵۸ کشور از درونش شکل گرفت! دو امپراتوری در این دوران حاکم بودند که به نام دین حکومت می‌کردند؛ امپراتوری واتیکان در غرب و امپراتوری عثمانی در شرق که حدود ۷۰۰ سال ظلم می‌کردند.

در این دوران‌ها به شیعیان ظلم می‌شد. رنسانس عامل نجات شد و غربی‌ها با استفاده از ظلم دینی حاکم بر شرق و غرب، نظام سکولار را مطرح کردند و مدرنیسم و مدرنیته در آن زمان شکل گرفت، علم و دانش هم از جهان اسلام رخت بر بست و به جهان غرب بازگشت. آن‌ها این ادعا را مطرح کردند که دین و علم با هم آشتی‌ناپذیر هستند. نیچه گفت خدا مرد و تقی‌زاده ملعون اعلام کرد که اگر می‌خواهیم آدم بشویم، باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم. غربی شدیم ولی آدم نشدیم و آن‌ها به مدت ۳۰۰ سال بر جهان حاکم بودند که هنوز هم آثارش را می‌بینیم.

در اواخر این دوره دو امپراتوری عثمانی و واتیکان فروپاشیدند و دو امپراتوری جدید به نام شوروی و آمریکا با تکیه بر زرادخانه هسته‌ای به وجود آمدند، که گفتند هیچ کس قدرت فراوری ندارد. اصلاً کلمه ابرقدرت برای این دو تا به وجود آمد. ابرقدرت یعنی اگر همه دنیا قدرت‌هایشان را روی هم بریزند، به پای این دو ابرقدرت نمی‌رسند. این‌ها دو ایدئولوژی و سلاح را مطرح کردند؛ ایدئولوژی مارکسیسم و ایدئولوژی لیبرالیسم و هر دو هم می‌گفتند

اعداد فارسی یا عربی می‌شوند. خودشان هم می‌گویند ما این اعداد را از مسلمانان و اعراب گرفته‌ایم.

این دوران هزار سال طول کشید. ۲۰۰ سال با ما جنگ سخت کردند، جنگ‌های صلیبی، و ۸۰۰ سال جنگ نرم؛ اما بالاخره در جنگ نرم پیروز شدند. کلیساییشان را وادار کردند تا با زن و شراب و مواد،

در تمام هزار سال دوران قرون وسطی، یک دانشمند در غرب نمی‌بینید و خودش آن را دوران تاریکی می‌نامند. گالیله گفت: زمین گرد است، گفتند: اگر توبه نکنی تورا آتش می‌زنیم! تعداد زیادی از دانشمندان را که حرف‌های خلاف خرافات می‌زدند، به آتش انداختند! ولی شکوفایی علم در همه جهان اسلام بود و اسلام ظرف مدت بسیار کوتاهی - کم‌تر از ۱۰۰ سال - بخش عظیمی از جهان را در اختیار گرفت.

فرماندهان را به خودشان جذب کنند. بارها تاخت‌و‌تازها را وقف شراب برای مسلمانان کردند و پیروز شدند، به طوری که به اسپانیا رفتند تا همه مسلمانان را قتل عام کنند و به تنگه جبل الطارق بریزند! می‌دانید که تنگه جبل الطارق به نام طارق فرمانده معروف و رشید اسلام بوده است که هنوز هم به همین نام شهرت دارد.

حادثه‌ای که دوره قرون وسطی را به پایان رساند، چیزی جز رنسانس نبود. شخصی

هم در این مناطق ظهور پیدا کردند و لذا بین این دو رقابت وجود داشت.

وقتی تاریخ ایران را در زمان ظهور اسلام مطالعه می‌کنیم، می‌بینیم که ملت‌ها به اوج فشار رسیده بودند. حادثه‌ای که به این دوره پایان داد، چیزی جز بعثت پیامبر (ص) نبود.

در اثر این بعثت، در دورانی که هم شرق و هم غرب در اوج جاهلیت بوده است، پیچ اول تاریخ ایجاد شد؛ یعنی دوران قرون قدیم به پایان رسید و دوران جدیدی آغاز شد که قرون وسطی نام دارد. امپراتوری روم و ایران ساقط می‌شوند؛ چون اسلام حرف جدیدی آورده بود...

در تمام هزار سال دوران قرون وسطی، یک دانشمند در غرب نمی‌بینید و خودش آن را دوران تاریکی می‌نامند. گالیله گفت: زمین گرد است، گفتند: اگر توبه نکنی تورا آتش می‌زنیم! تعداد زیادی از دانشمندان را که حرف‌های خلاف خرافات می‌زدند، به آتش انداختند! ولی شکوفایی علم در همه جهان اسلام بود و اسلام ظرف مدت بسیار کوتاهی - کم‌تر از ۱۰۰ سال - بخش عظیمی از جهان را در اختیار گرفت. یعنی از اواسط چین و مالزی و اندونزی تا اواسط اروپا و آفریقا در سیطره اسلام بود، به سرعت گسترش یافت و تا اسپانیا را فتح کرد و در اسپانیا تمدنی به نام تمدن اندلس را شکل داد؛ به گونه‌ای که در کتابخانه اندلس فهرست کتاب‌هایش ۳۰ جلد کتاب بود، در کتابخانه اسکندریه هم همین طور و اندیشمندان بزرگی مثل ابن حسان، ابوعلی سینا، جابر بن حیان و غیره بودند.

امروزه هنوز غربی‌ها از آن علوم انسانی که در این دوره رشد کرد، استفاده می‌کنند. اسامی علومشان اسلامی است و شیمی و الگوریتم همه به نام مسلمان‌ها است. آن‌ها عدد نداشتند، اعدادشان اعداد قدیم لاتینی بود. الان هم که این اعداد را به انگلیسی می‌نویسند، اگر شما ۹۰ درجه بچرخانید،

این دموکرات و برای مردم است! تمام حکومت‌های سوسیالیستی یک عنوان دموکراتیک هم یدک می‌کشیدند: جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی، جمهوری دموکراتیک خلق چین و ... ولی هدفشان به شیشه کردن خون توده‌های ملت بود، منتها یکی به نام سوسیالیسم و دیکتاتوری حاکمیت مرکزی و دیگری به نام لیبرالیسم. پیچ سوم تاریخ که حضرت آقا ذکر می‌کنند، چیزی جز پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ میلادی یا ۱۳۵۷ شمسی نیست.

مورخ معروف انگلیسی سی سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در کتاب تمدن در بوته آزمایش که به فارسی هم ترجمه شده است، می‌گوید: اسلام خوابیده است ولی در صورتی که مستضعفین آگاه قیام کنند و به دنبال رهبری بگردند، این خفته اگر به اندازه خفتگان هفت‌گانه در خواب بوده باشد، بیدار

خواهد شد و پژواک این بیداری دنیا را به لرزه درخواهد آورد. سپس می‌گوید: دور باد آن زمان! ولی بر خلاف آرزوی وی، ۳۰ سال بعد این اتفاق رخ داد و انقلاب اسلامی دنیا را به لرزه در آورد. من وقتی نوشته‌های دانشمندان و حتی دشمنان انقلاب را می‌خوانم می‌بینم آن‌ها خوب متوجه شدند که این انقلاب، چه انقلاب سرنوشت‌سازی است. میشل فوکو که در زمان انقلاب به ایران آمد، می‌گوید: این انقلاب، ماهیت و محتوای تاریخ بشریت را تغییر داد. او در کتاب انقلابی به نام خدا می‌نویسد: نیچه گفت خدا مرد و دنیا به سمت مدرنیسم و مدرنیته می‌رود؛ اما اکنون فردی آمده که می‌گوید خدا زنده است، خدا با ما است، خرمشهر را هم خدا آزاد کرد و حتی آن‌شن‌های روان که ماشین نظامی پیچیده آمریکا را ساقط کرد، مأمور خدا بودند.

این حرف‌ها برای مدرنیسم و دانش مادیرایانه بی‌مفهوم است. در زمانی که اندیشمند غربی می‌گوید من زمانی خدا را قبول می‌کنم که بتوانم او را زیر چاقوی جراحی تشریح کنم، این حرف‌ها،

جدید است. معنویت، دنیای آخرت، محدود نبودن زندگی ... این حرف‌ها را انقلاب اسلامی آورد. امام (ره) هنگامی فرمود ما آمریکا را زیر پا می‌گذاریم، که ناوگان این کشور در بندرهای ما مانور می‌دادند. من آن موقع استاندار سیستان و بلوچستان بودم، بچه‌ها به ما می‌گفتند نور ناوگان آمریکا شهر را روشن کرده است. امام (ره) می‌فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. مرحوم یدالله سبحانی - از ملکی‌گراها - به امام (ره) گفته بود آمریکا می‌تواند نه تنها ایران بلکه همه دنیا را با خاک یکسان کند. زرادخانه هسته‌ای آمریکا و شوروی قدرت تخریب کامل دنیا را داشتند؛ ولی امام (ره) می‌فرمود آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، ما خدا را داریم و ... این‌ها، حرف‌های جدیدی بود. قبل از انقلاب بعضی از آقایان روحانی در ولایت ما می‌گفتند ما که با دولت، جنگ نداریم. دولت توپ و تفنگ دارد، ما چه داریم؟ همان زمان امام (ره) برایشان پیغام دادند که آخر عمری کمی برای اسلام خدمت کنید. یعنی این روحیه



در قرون وسطی را فشرده کردند و در طی این سی سال علیه ما انجام دادند. ۱۰ سال اول انقلاب را جنگ سخت و ۲۰ سال بعدی را جنگ نرم کردند؛ ولی هوشیاری ملت و قوام و دوامش توانسته این جنگ شتابنده را هم پشت سر گذارد.

یک نکته جالب دیگر این است که در پیچ اول بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)، انحراف در حکومت ایجاد شد - ماجرای سقیفه و حکومت امویان، عباسیان و عثمانی‌ها که هیچ کدام اسلامی نبود - با وجود این، جامعه اسلامی به برکت تربیت اسلام هزار سال توسعه یافت.

ولی در پیچ سوم بعد از رحلت حضرت امام رضوان الله تعالی علیه هیچ گونه انحرافی در رهبری انقلاب به وجود نیامد، بلکه حضرت آقا عالمانه‌تر و برنامه‌ریزتر سکان این کشتی را به دست گرفته و توانسته‌اند انقلاب را به خوبی هدایت کنند. این بدان معناست که دوره قرون جدید که با انقلاب اسلامی در این پیچ اسلامی ایجاد شده است، بسیار طولانی‌تر خواهد شد؛ زیرا هم مردم با آگاهی بیش‌تری در صحنه هستند و هم رهبری با هوشیاری انقلاب را اداره می‌کند و جامعه به سمت قله در حرکت است.

منتها در مسیر چالش هم داریم و اوج این کوه در انتظار است. حضرت امام (ره) حداقل دو مرتبه فرمودند که این پرچم به دست آقا امام زمان (عج) خواهد رسید ان شاء الله تعالی.

پیچ تاریخی این است و ما هنوز در حال ساختن قرون جدید هستیم. باید همچنان لباس رزم داشته باشیم و هرگز در مقابل ناملایمات و تحریم‌ها خم به ابرو نیاوریم. هنوز فتنه‌های فراوانی در پیش رو داریم که یکی از آن‌ها در همین انتخابات امسال است. دشمنان اگر از جنگ سخت ناامید شده باشند، از جن و شیطان و سحر و جادو هنوز ناامید نشده‌اند.

دیدم که روی آن نوشته بودند «ساخت ایران». از تکنسینش پرسیدم: کدام بخش این ساخت ایران است؟ از ترس ساواک دهانش را دم گوش من آورد و گفت: باد تایر و آب رادیاتورش ساخت ایران است! بعد خیلی جدی گفت: حتی این آرمی که نوشته «ساخت ایران» در اروپا تهیه شده است!

ولی امروزه ببینید به چه عظمتی از لحاظ علمی رسیده‌ایم؛ آن هم در تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای که غرب، سردمدارش بود با این

**یدالله سحابی - از مَلّی گراها
- به امام (ره) گفته بود آمریکا
می‌تواند نه تنها ایران بلکه همه
دنیا را با خاک یکسان کند.
زرادخانه هسته‌ای آمریکا و
شوروی قدرت تخریب کامل
دنیا را داشتند؛ ولی امام (ره)
می‌فرمود آمریکا هیچ غلطی
نمی‌تواند بکند.**

ویژگی که در تحریم کامل هستیم. من به یک آمریکایی گفتم: اگر دشمن ما نبودید، شما را دعا می‌کردیم. پرسید: چرا؟ گفتم: برای این که تحریم‌های شما بزرگ‌ترین خدمت به ما بود؛ چون ما ناچار شدیم روی پای خودمان بایستیم. کتابی در آمریکا نوشته شده و توضیح داده که چگونه با ایران ابرقدرت برخورد کنیم.

امروزه ایران با نفوذ فرهنگی و دینی خود در میان ملل مختلف، یک ابرقدرت به شمار می‌آید. جالب تر این است که ۲۰۰ سال جنگ سخت و ۸۰۰ سال جنگ نرم

محافظه‌کاری قبل از انقلاب حتی در میان روحانیت هم بود.

امام (ره) با انقلاب اسلامی تاریخ دنیا را عوض کرد. در این پیچ تاریخ، امپراتوری شوروی از بین رفت، امپراتوری آمریکا را هم می‌بینید در چه وضعیتی است. حدود ۱۳ میلیون مقاله و کتاب درباره فروپاشی آمریکا در خود آمریکا نوشته شده است. اخیراً «فرید زکریا» هشدار داده که فروپاشی آمریکا قطعی است و باید برای بعد از فروپاشی برنامه‌ریزی کنید. ۱۶ سازمان اطلاعاتی آمریکا هم تحلیل کرده‌اند که در سال ۲۰۳۰ چیزی به نام ایالات متحده آمریکا وجود نخواهد داشت و حتی بدتر از شوروی خواهد شد؛ زیرا شوروی از سابقه امپراتوری چند هزار ساله برخوردار بوده، در حالی که کل تاریخ آمریکا ۲۰۰ سال است و مردمش اقوام مهاجری هستند که دور هم جمع شده و تمام بومیان را نابود کرده‌اند. تنها دو عامل این‌ها را جمع کرده است: رفاه و امنیت.

رفاه که دیگر چندان وجود ندارد. الان در آمریکا ۴۰ میلیون نفر گرسنه هستند؛ یعنی شب‌ها گرسنه می‌خوابند. ۳۳ جبهه جدایی‌خواهانه در آمریکا وجود دارد. این ۵۵ ایالت، قبلاً جدا از هم بودند. و با جنگ و خون‌ریزی اضافه شدند.

نیمی از مردم آمریکا به طور کلی انگلیسی بلد نیستند و به زبان‌های دیگری صحبت می‌کنند. از لحاظ نژاد، زبان، مذهب، قومیت، تاریخ و... هیچ‌گونه وجه مشترکی در آمریکا وجود ندارد و خودشان می‌گویند ما یک جامعه چندین فرهنگ هستیم.

در همین پیچ تاریخ ببینید علم و دانش به چه سرعتی منتقل شده است. قبل از انقلاب، رزم آرا می‌گفت ملتی که نمی‌تواند یک لوله‌نگ بسازد، چگونه می‌خواهد نفتش را ملی کند و ما همه چیز را از خارج می‌آوردیم. در سال ۱۳۵۴ سه راه آذری یک تراکتور خیلی شیک